

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۸

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال یازدهم، شماره ۴۴، زمستان ۱۳۹۶

تأملی بر آخرالزمان شناسی مسیحیت پنطیکاستی

یاسر ابوزاده کتابی^۱

سیدعلی حسینی^۲

چکیده

جنبش پنطیکاستی در دهه ۱۹۹۰م و با تأکید بر مسئله آخرالزمان، نزول روح القدس و ظهور عطایا، به عنوان سند حقانیت و نشانه نزدیک شدن عصر مسیحایی، ظهور کرد. پنطیکاستی‌ها معتقد بودند که پس از گذشت هفت سال رنج و محنت، آخرالزمان و عصر ظهور شروع خواهد شد و کلیسا عرووش (مسیح) را ملاقات خواهد کرد. از این رو با جدیت به تبشیر عصر ظهور روی آوردند. پس از گذشت چند دهه از آغاز جنبش و نیامدن مسیح، موجی از نومیادی در میان پنطیکاستی‌ها شکل گرفت. از این رو برای کنترل اوضاع، تفسیر جدیدی از عصر ظهور ارائه دادند. در همین راستا، با اتخاذ رویکردها و عملکردهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بر آن شدند تا با فراهم آوردن مقدمات تشکیل کلیسای جامع مسیحی، به بازگشت مجدد مسیح سرعت بخشند. این نوشتار درصدد است تا با روش توصیفی - تحلیلی پس از معرفی آخرالزمان شناسی پنطیکاستی و ابعاد مختلف آن، ادعای تشکیل کلیسای جامع و رویکردهای پنطیکاستی را به چالش بکشاند.

واژگان کلیدی

مسیحیت پنطیکاستی، آخرالزمان شناسی (عصر ظهور)، روح القدس، تبشیر، رویکرد.

۱. کارشناس ارشد دین‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام قم (نویسنده مسئول) (y.a.g@chmail.ir).

۲. دانشیار گروه ادیان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام قم.

مسیحیت در ابتدای قرن بیستم در منطقه آمریکای شمالی پدیده‌ای معمولی قلمداد می‌شد، لیکن ظهور جنبش پنطیکاستی در ابتدای قرن بیستم، توسط افرادی همچون چارلز فاکس پرهام و ویلیام سیمور، و تأکید آن‌ها بر سومین شخصیت مهم آموزه تثلیث، که همان روح القدس می‌باشد (پورتر، ۱۹۹۹: ۳۴؛ کیوبدکس، ۱۹۷۶: ۴۲، ۱۲۸)، و ادعای ظهور مجدد عطایا پس از دوهزار سال، سبب توجه اذهان به این شکل خاص از مسیحیت شد و بالتبع، مسیحیت را از پدیده‌ای معمولی به پدیده‌ای جذاب بدل ساخت (ما، ۲۰۰۹). علت این امر نیز این بود که پنطیکاستی‌ها ادعا می‌کردند مشابه حوادثی که در فصل دوم کتاب اعمال رسولان اتفاق افتاده است و طی آن روح القدس بر حواریون نازل شد و عطایا را به آن‌ها اعطا کرد، در ابتدای جنبش پنطیکاستی نیز اتفاق افتاده است. (برگس، ۲۰۰۶: ۱۷۲)

در سی و یکم دسامبر سال ۱۹۰۱ م یکی از شاگردان پرهام به نام اگنس آزمن (Agnes Ozman) از او خواست تا دستش را بر روی سر اگنس قرار دهد تا او عطیه‌ای از روح القدس دریافت کند. در نیمه شب اول ژانویه اگنس شروع به تکلم به زبان چینی نمود و تا سه روز قادر به تکلم به زبان انگلیسی نبود (اندرسون، ۲۰۰۵a؛ بلیک، ۲۰۱۴). پرهام این رویداد را به عنوان آخرین بیرون‌ریزی روح القدس پیش از آمدن مجدد مسیح، در ابتدای قرن تفسیر کرده، و از آن با عنوان تکمیل پیشگویی‌های کتاب مقدس یاد می‌کرد (رک: یوئیل ۲: ۲۳). در سال‌های ابتدایی جنبش این اعتقاد که بازگشت مجدد مسیح عن‌قرب خواهد بود، اعتقادی پذیرفته شده بود. از این رو معتقد بودند که مسیح قدرتش را به جنبش خیابان آزوسا، جنبش پنطیکاستی، فرستاد تا مؤمنان را با روح القدس تعمید دهد و آن‌ها را برای عصر حضور مسیح آماده سازد. چراکه بیرون‌ریزی روح القدس نشانه‌ای از روزهای پایانی است و به عبارت دیگر جهت‌یابی آخرالزمانی دارد. از این رو پنطیکاستی‌های اولیه، غالباً، خود را رسولی و یا پنطیکاستی می‌نامیدند، تا هم نشان‌دهنده قدرت و خاستگاه جنبش بوده و هم سندی بر حقانیت و برتری این جنبش نسبت به سایر فرقه‌های مسیحی باشد (اندرسون، ۲۰۱۳، ص ۲۱۸). نمونه‌ای از این رویکرد را می‌توان در اولین دست‌نوشته‌های پنطیکاستی‌ها در بیانیه ایمان رسولی به وضوح مشاهده کرد:

هیچ کسی در بالای (رئیس) این جنبش نیست. خداوند خودش در زمین تکلم می‌کند. ما در کنار بزرگ‌ترین معجزاتی هستیم که جهان تا بحال دیده است. (پاچوا، ۲۰۱۱: ۸۰)

با توجه به این که در حوزه آخرالزمان شناسی مسیحیت پنطیکاستی کار مدون و دقیقی صورت نگرفته است، این نوشتار درصدد است با بررسی منابع مختلف پنطیکاستی به معرفی آموزه آخرالزمان شناسی خاص پنطیکاستی‌ها پرداخته و وضعیت آن را در طول یک قرن که از ظهور جنبش پنطیکاستی گذشته است، کندوکاو کرده و از زوایای مختلف نقد کند.

آخرالزمان شناسی پنطیکاستی و مؤلفه‌های آن

پل تیلیش در یکی از دست‌نوشته‌هایش اشاره می‌کند که یکی از راه‌هایی که می‌توان به مطالعه یک دین پرداخت، ارزیابی آن دین براساس دیدگاه‌های آخرالزمانی آن است (لئو، ۲۰۰۷). محوری‌ترین مسئله در آخرالزمان شناسی پنطیکاستی نیز، مسئله بازگشت مجدد مسیح است. پنطیکاستی‌ها معتقدند بازگشت پادشاه‌گونه مسیح حتمی است و در هر آن، امکان بازگشت او محتمل است (هوس، ۲۰۰۶: ۱۲۴-۱۲۵)، از این رو باید برای آمدن مجدد او آمادگی کامل داشت (همان: ۱۵۰). از این رو، مراد از آخرالزمان شناسی پنطیکاستی، حتمی بودن بازگشت مجدد مسیح است.

الف) دو نوع آخرالزمان شناسی

محققان پنطیکاستی، براساس متن کتاب مقدس، بین دو گونه آخرالزمان شناسی تمایز گزارده‌اند: آخرالزمان شناسی مبتنی بر پیشگویی (رسولی) و آخرالزمان شناسی وابسته به مکاشفه یوحنا (مکاشفه‌ای). به طور ساده آخرالزمان شناسی رسولی، آشکارسازی نقشه و برنامه خداوند است و این که او چگونه برنامه‌اش را در تاریخ زندگی بشر به اجرا در می‌آورد، به گونه‌ای که مسئله توبه و تغییر در آن نقش اساسی دارد. براساس آخرالزمان شناسی رسولی، تنها مسئله‌ای که مانع از عمل خدا در جهان می‌شود گناهان و بدعهدی بندگان با خداوند است. براین اساس به نظر می‌رسد که بشر نیاز به تغییر دارد و این به واسطه توبه، پرهیزکاری و عدالت‌ورزی، او را حاصل می‌گردد. (هوس، ۲۰۰۶: ۱۲۴)

لیکن به نظر می‌رسد که این نظریه سراسر خوش‌بینانه است. زیرا پنطیکاستی‌ها بر این باورند که آخرالزمان شناسی رسولی مشخصه‌ی انبیای پیشین و مربوط به زمان حضور آن‌ها بوده است نه امروز. لذا تغییر حقیقی هرگز حاصل نشده و باید در آخرالزمان صورت گیرد. (هوس، ۲۰۰۶: ۱۲۴)

در مقابل، آخرالزمان شناسی مکاشفه‌ای، بسیار بدبینانه است. در این دیدگاه تغییر و توبه فایده‌ای برای بشر ندارد. زیرا از آن جایی که وجود بشر و تاریخ بشریت با گناه و شرآلوده شده

است، به هیچ طریقی انسان‌ها به تنهایی نمی‌توانند آن را رفع کنند. راه حل این است که خداوند در آخرالزمان امپراتوری شر را ویران سازد، ظالمان و حاکمان فاجر را شکست دهد و تنها در این صورت است که مردم می‌توانند با آزادی تمام و به عنوان بنده خدا زندگی کنند. از این رو در آخرالزمان قضاوت الهی حتمی و قریب‌الوقوع است. (هوس، ۲۰۰۶: ۱۲۵)

براین اساس در میان پنطیکاستی‌ها؛ برخی معتقد به عدم بخشودگی قبل از ظهور ثانویه مسیح و معتقد به رنج قبل از آن هستند (این گروه مکاشفه‌ای‌اند)، (هوس، ۲۰۰۶: ۱۲۵) در مقابل دیگرانی هستند که معتقد به بخشیده شدن انسان‌ها قبل از آمدن مسیح‌اند ولیکن مسئله رنج را انکار نکرده‌اند (این‌ها در واقع هم مکاشفه‌ای و هم رسولی‌اند). (واکر، ۲۰۰۹: ۲۵۱-۲۶۵)

ب) مؤلفه‌های آخرالزمان شناسی پنطیکاستی

مؤلفه‌های اصلی آخرالزمان شناسی، پیشاهزاره‌گرا بودن، الاهیات محور بودن، تبشیر محوری و جدا کننده بودن بازگشت مسیح است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. مهم‌ترین ویژگی آخرالزمان شناسی پنطیکاستی پیشاهزاره‌گرا بودن آن است. پنطیکاستی‌ها معتقدند که در هفت سال منتهی به ظهور مجدد مسیح، دجال بر زمین حکمرانی خواهد کرد. دوره‌ای از محنت و سختی فراوان که از آن با عنوان دوره محنت بزرگ (great tribulation) یاد می‌کنند، شکل خواهد گرفت و در پایان این دوره مسیح، در جنگی بزرگ به نام جنگ آرماگدون دجال را شکست خواهد داد، پس از آن و با به بند کشیدن شیطان، مدت هزار سال در زمین حکمرانی خواهد کرد و کلیسا همچون بهشتی خواهد بود که عروسش را ملاقات کرده است. در پایان هزار سال شیطان رها شده و در نهایت در جنگی مغلوب خواهد شد. در نهایت مؤمنان حقیقی از غیر مؤمنان در قضاوتی بزرگ از یکدیگر جدا خواهند شد (رک: مکاشفه ۲۰). از این رو یکی از مؤلفه‌های آخرالزمان شناسی پنطیکاستی، پیشاهزاره‌گرا بودن آن است. (اندرسون، ۲۰۱۳: ۲۱۸؛ برگس، ۲۰۰۶: ۱۷۳؛ برگس، ۲۰۰۲: ۶۰)

۲. دومین مؤلفه آخرالزمان شناسی پنطیکاستی، تأثیر آن بر الاهیات پنطیکاستی است. این تأثیر را می‌توان در مهم‌ترین آموزه الاهیاتی پنطیکاستی‌ها، که همان آموزه روح القدس است، مشاهده نمود. چراکه از نگاه پنطیکاستی‌ها بیرون ریزی روح القدس نشانه‌ای بااهمیت از پایان تاریخ قلمداد می‌شود و ظهور عطایای روح القدسی نشانه‌ای بر صحت ظهور مجدد مسیح محسوب می‌گردد. از این رو هرگونه آشکارسازی مافوق طبیعی قدرت خداوند در قالب عطایایی همچون معجزات، شفابخشی و تکلم به زبان‌ها می‌تواند به عنوان نشانه‌ای از استیلای

حکومت و پادشاهی مسیح قلمداد شود، حکومتی که اکنون شروع شده و در آینده‌ای نزدیک به تحقق کامل خواهد رسید. (برگس، ۲۰۰۲: ۶۰۱، ۶۰۴؛ اسمیت، ۲۰۰۸: ۴۲)

۳. تبشیری بودن. بیرون‌ریزی روح القدس و ظهور مجدد عطایا، به عنوان نشانه‌ای بر صحت بازگشت مجدد مسیح، درکنار وحشت و اضطراب از مجازاتی که بیم آن می‌رفت تا گریبان غیرمؤمنان را بگیرد، انگیزه و محرکی بود تا پنطیکاستی‌های اولیه به تبشیر و تبلیغ ایمان پنطیکاستی روی آورند. از این رو سومین مؤلفه آخرالزمان شناسی، تبشیری بودن آنست (برگس، ۲۰۰۲: ۶۰۴).

تقریباً همه نویسندگان توافق دارند که انتظار پنطیکاستی‌های اولیه از بازگشت قریب‌الوقوع مسیح با جان فشانی‌های میسیونری بسیاری همراه شد. چراکه پنطیکاستی‌ها گمان می‌کردند که تبشیر آن‌ها بخشی از مقدمات بازگشت مسیح را فراهم می‌سازد (ما، ۲۰۰۹). بر این اساس پنطیکاستی‌ها به علت تعهد شدید به تبشیر، اقدام به برگزاری تورهای تبلیغی در فصل‌های گرم سال (همان)، تأسیس مدارس الاهیاتی جهت آموزش تبشیر و تولید نشریات تبشیری (همان)، اعزام میسیونرها به مناطق مختلف دنیا (ما، ۲۰۰۷) و تأمین هزینه‌های تبشیر (ما، ۲۰۰۹) نمودند.

از نگاه پنطیکاستی‌ها در تبشیر آخرالزمانی، هدف از تبشیر جذب حداکثری کافران و غیرمؤمنان است زیرا بسیاری از پنطیکاستی‌های اولیه معتقد بودند مسیح باز نخواهد گشت مگر آنکه پیام ظهور مجدد مسیح و ظهور علائم آخرالزمانی همچون ظهور عطایا، به تمام نقاط زمین ابلاغ شود (برگس، ۲۰۰۶: ۱۷۲). در نتیجه به اقصی نقاط عالم سفر کرده و به جذب پیروان ادیان گوناگون، رنگین‌پوستان و سفیدپوستان، اقشار مختلف جوامع اعم از زن و مرد، و بزرگسال و خردسال، غنی و فقیر، سالم و معلول، و... همت گماشتند.

۴. از نظر پنطیکاستی‌ها، اصل بازگشت مسیح در آخرالزمان، همان‌گونه که در فقراتی از کتاب مقدس به آن اشاره شده است، به نوبه خود رویدادی جداکننده است (لاکوس، ۲۰۰۹: ۱۴۴):

او شما را با روح القدس و آتش الهی تعمیم خواهد داد. او کاه را از گندم جدا کرده، آن را در آتشی خاموش نشدنی خواهد سوزاند؛ اما گندم را در انبار جمع خواهد نمود. (متی ۱۲: ۳)

سپس تمام قوم‌های روی زمین در مقابل من خواهند ایستاد و من ایشان را از هم جدا خواهم کرد، همان‌طور که یک چوپان، گوسفندان را از بزها جدا می‌کند؛ گوسفندها را

در طرف راستم قرار می‌دهم و بزها را در طرف چپم. (متی ۲۵: ۳۲-۳۳)

تغییر رویکرد و نگاهی نوبه آخرالزمان شناسی

با نزدیک شدن دهه ۱۹۶۰ م و گذشت بیش از پنج دهه از آغاز جنبش پنتیکاستی، و با توجه به ورود پنتیکاستی‌ها به مناطق مختلف دنیا و استقبال مردم از پیام پنتیکاستی، کم‌کم مسئله رهبری در کلیساها و دغدغه‌های اجتماعی پررنگ شد. دغدغه‌هایی همچون؛ ناآرامی‌های اجتماعی، ساختارهای فشارآور و سختی‌های زندگی، فقر و بی‌عدالتی، مدرن شدن جوامع و مسائلی از این قبیل باعث شده بود تا جوامع انسانی به حداقل‌های مرز حیات برسند. از طرفی دیگر، چند دهه از شروع جنبش می‌گذشت و ظهور مسیح تحقق نیافته بود، از آن جایی که احتمال می‌رفت که تداوم این شرایط به موجی از ناامیدی‌ها و بعضاً خروج از ایمان پنتیکاستی، منجر شود (ما، ۲۰۰۹)، از این رو پنتیکاستی‌ها در رویکرد آخرالزمان شناسانه خود تغییراتی صورت داده و تفسیر جدیدی از آخرالزمان شناسی مطرح کردند. از این رو معتقد شدند که آخرالزمان شناسی لااقل دو بعد دارد: بعدی که مربوط به زمان بازگشت مسیح است و بعدی که مربوط به ماهیت کلیسا و زندگی مسیحی است (ما، ۲۰۰۹).

از طرفی؛ گرچه هیچ‌کسی نمی‌داند که چه زمانی، مسیح بازخواهد گشت، لیکن بازگشت مجدد او حتمی است. از این رو حتی اگر بازگشت او در نسل حاضر اتفاق نیفتد، نباید ضرورت آخرالزمانی را نادیده انگاشت و از تبشیر آخرالزمانی و مسیحی‌سازی جهان، قبل از بازگشت مجدد مسیح، دست برداشت. از این رو معتقد بودند که می‌توان با اندکی تغییر در رویکردهای تبشیری، فرآیند مسیحی‌سازی جهان و در نتیجه بازگشت مجدد مسیح را تسریع بخشید (همان).

از طرف دیگر؛ وقوع جنگ‌های جهانی، فقر، تهی‌سازی منابع طبیعی توسط نیروهای استعماری در مناطق مختلف جهان، مشکلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عدیده‌ای برای مردم اقصی نقاط جهان به وجود آورد و زندگی غیرقابل پیش‌بینی شد. در چنین اوضاعی، در دهه ۱۹۶۰ م، جنبش کاریزماتیک با پیام "اینجا و اکنون" و "خبرهای خوش برای انسان مدرن" ظهور کرد. کاریزماتیک‌ها مسیحیانی از فرقه‌های مختلف بودند که علاوه بر تعلق خاطر به فرقه اصلی خود، در مجامع پنتیکاستی حضور پیدا کرده و در آروزی تعمید توسط روح القدس بودند. گرچه پنتیکاستی‌ها، در وهله اول، کاریزماتیک‌ها را از خود می‌رانند، لیکن بعدها حضور آن‌ها را پذیرفته و در کنار یکدیگر، بر توجه مستقیم بر زندگی مسیحیان و در واقع رویکرد این جهانی تأکید کردند. در واقع به یک معنا ضرورت آخرالزمانی جای خود را به

ضرورت عمل خدا در زندگی روزانه تغییر داد (همان). پنطیکاستی‌ها این ضرورت عمل در زندگی روزانه را به صورت‌های مختلف در عرصه‌های گوناگون به ظهور رساندند. در ادامه به رویکردهای عمده و عملکردهای آخرازمانی مسیحیت پنطیکاستی، پس از دهه ۱۹۶۰م، می‌پردازیم.

۱. رویکرد فرهنگی پنطیکاستی‌ها

توجه به امر کلیساسازی به عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی تبشیری و بومی‌سازی این کلیساها در قالب آموزش رهبرانی بومی و سیاق‌گرایی فرهنگی، تأثیر بسزایی در رشد چشمگیر جنبش در تمام جوامع جهان، بالاخص در کشورهای جهان سوم، داشته است.

الف) ساخت و احداث کلیسا

یکی از مهم‌ترین رویکردهای پنطیکاستی‌ها برای تبلیغ مسیحیت و رساندن پیام نجات مسیح به سراسر دنیا، ایجاد و احداث کلیسا بوده است (اندرسون، ۲۰۰۴). از دیدگاه پنطیکاستی‌ها احداث کلیسا باید اصلی‌ترین نکته در فعالیت‌های تبشیری باشد. و باید به این سمت گام برداشت تا با احداث هرچه بیشتر کلیساها، تمام جهان را مسیحی کرد تا در نهایت کلیسای جهانی مسیح احداث گردد (برگس، ۲۰۰۶: ۱۳). از دیدگاه ویلیام آر رید (William R. Read) پنطیکاستی‌ها تقریباً در هر جایی به امر کلیساسازی سفارش می‌کردند و در آن مکان، جلسات و جماعت‌های خود را برگزار می‌نمودند (مک‌کلانگ، ۱۹۸۶: ۱۵۲). دلیل این نکته نیز آن است که پنطیکاستی‌ها معتقدند احداث کلیسا نشان از قدرت روح القدس است (مک‌گی، ۱۹۸۶) و میراث دنیوی آخرازمان شناسی پنطیکاستی - یعنی تأکید بر مسائل این جهانی - منجر به تمرکز آن‌ها در مقوله تبشیر، بر تبلیغ مسیحیت و احداث کلیسا گردید (ویلدوود، ۲۰۱۳: ۲۳۳).

از این رو پنطیکاستی‌ها بر این باورند که احداث کلیساهای متعدد در نقاط مختلف دنیا، نشان دهنده این است که روح القدس در این جنبش حضور دارد و به صورت فعال در امر کلیساسازی و به تبع آن در مقوله تبشیر و درنهایت آماده‌سازی کلیسای جهانی جهت تسریع در بازگشت مجدد مسیح، مشارکت می‌کند.

ب) بومی‌سازی کلیساها

بومی‌گرایی یکی از اصولی است که موجب رشد سریع پنطیکاستی‌ها شده است. منظور از بومی‌گرایی یعنی بومی‌سازی و ساخت کلیسا در هر منطقه‌ای با کمک مردم همان منطقه،

بدون هیچ گونه کمکی از سوی افراد و یا نهادهای خارج از منطقه (اندرسون، ۲۰۰۴؛ همو، ۲۰۱۳: ۲۰۹). پنطیکاستی‌ها معتقدند تأسیس کلیساهای بومی توسط اعضای این فرقه نشانه عنایت روح القدس به این فرقه است (میلر، ۲۰۰۵: ۲۹۹) و در توجیه این نکته به این آیه از کتاب مقدس که "مسیح به شاگردانش گفته است که منتظر باشند تا به وسیله روح القدس قدرت مند گردند و پس از آن آن‌ها باید گواهان او باشند در اورشلیم، و در تمام یهودیه و سامره، و در تمام دنیا" (اعمال رسولان، ۱: ۸)، استناد می‌کنند.

از این رو پنطیکاستی‌ها در فرآیند بومی سازی کلیساها دو نکته را مد نظر قرار می‌دادند: اولاً به تربیت افراد بومی جهت اداره کلیساها و در واقع بومی سازی رهبری کلیساها پرداختند. میسیونرهای پنطیکاستی پس از ورود به یک منطقه، مدت زیادی در آن جا نمی‌ماندند و پس از تعلیم چند تن از افراد بومی، آن منطقه را ترک کرده و مسئولیت احداث کلیسا و تبشیر در میان بومیان را بر عهده خود بومیان می‌گزارند (برگس، ۲۰۰۴: ۱۴). این رهبران بومی غالباً از میان مردمی انتخاب می‌شدند که از شرایط جامعه خود آگاه بوده (اندرسون، ۲۰۰۰) و از لحاظ مالی استقلال داشته و نیاز به حمایت مالی نداشتند (اندرسون، ۲۰۰۴).

از این رو می‌توان نتیجه گرفت توجه ویژه پنطیکاستی‌ها به بومیان و مشارکت دادن آن‌ها در رهبری کلیساها، به مرور زمان سبب شد تا میزان حضور مردم بومی در این جنبش بیشتر شده و در پیشرفت جنبش پنطیکاستی نمود قابل توجهی داشته باشد.

ثانیاً میسیونرهای پنطیکاستی به فرهنگ عمومی جامعه‌ای که در آن وارد می‌شدند توجه ویژه‌ای داشتند. پنطیکاستی‌ها با توجه به اصل "آزادی در روح القدس" هنگامی که به منطقه‌ای وارد می‌شدند، به ادیان بومی آن منطقه و فرهنگ‌هایی که در آن جا نهادینه شده بود، توجه به‌سزایی می‌کردند. (اندرسون، ۲۰۰۰) چراکه معتقد بودند که پیام مسیحیت برای همه فرهنگ‌ها است و همه انسان‌ها در دریافت روح القدس با یکدیگر برابر هستند. از نظر پنطیکاستی‌ها هر دینی که شباهت‌های هر چند مختصری با ادیان بومی، در مناطق تحت تبشیر، نداشته باشد، جذاب نخواهد بود و کسی به آن دین جدید روی خوش نشان نخواهد داد (ما، ۲۰۱۴: ۱۶۴). از این رو پنطیکاستی‌ها در هر جا که ضرورت اقتضا می‌کرد تا به مقتضای شرایط جامعه هدف، تغییراتی را متحمل گردند، از انجام آن تغییرات ابایی نداشتند. برای مثال پنطیکاستی‌ها برای سازگاری با اعمال ادیان قدیمی و یافتن راه‌حلی برای این مسئله، در صورت لزوم از تغییر کتاب مقدس و یا به تعبیری تفسیر مطابق با شرایط کتاب

مقدس دست می‌بازیدند. علت اصلی این نکته نیز از دیدگاه آنان همان مسئله آزادی در روح القدس است (اندرسون، ۲۰۰۰).

این رویکرد با که با هدف تشکیل کلیسای جامع و مسیحی نمودن مردم اقصی نقاط جهان انجام می‌شود، هم در ازدیاد تعداد ایمان داران پنطیکاستی مؤثر بوده و هم شرایط را برای ظهور مجدد مسیح تسهیل می‌کند.

۲. رویکرد اجتماعی پنطیکاستی‌ها

گرچه در ابتدای جنبش، غالباً، پنطیکاستی‌ها به مسائل اجتماعی روی خوش نشان نمی‌دادند، و سال‌های اولیه این جنبش از این لحاظ، به سال‌های هرج و مرج و بی‌نظمی مشهور است (اندرسون، ۲۰۰۰؛ همو، ۲۰۱۳: ۲۱۴)، لیکن هرچه بیشتر از عمر جنبش می‌گذشت، اهمیت توجه به دغدغه‌های اجتماعی، در نزد پنطیکاستی‌ها پررنگ‌تر شد. این مسئله منجر به امیدواری مردم و روی آوردن آن‌ها به جنبش پنطیکاستی و درنهایت مسیحی شدن تمام عالم و تسریع در بازگشت مسیح خواهد شد. براین اساس، عمده رویکردهای اجتماعی پنطیکاستی‌ها را می‌توان در چهار دسته کلی دسته‌بندی کرد، که به تفصیل ذیل بیان می‌شود:

الف) توجه به اقشار ضعیف جامعه

پنطیکاستی‌ها با توجه به شعار "آزادی در روح القدس"، بر این باورند که امکان دریافت روح القدس از سوی همه افراد، از هر جنس و سن و رنگ و طبقه‌ای وجود دارد. از این رو در فعالیت‌های تبشیری خود بیشتر به سراغ افراد "گمشده، گمراه و بیگانه" از مسیح رفته تا پیام آزادی در روح القدس را به گوش آنان برسانند. بر همین اساس عوام مردم از کشورهای جهان سوم، رنگین‌پوستان، فقرا، بی‌خانمان‌ها، معتادین به مواد مخدر و مشروبات الکلی، و افرادی که دچار مشکلات عاطفی هستند، بیشترین سهم را در میان مخاطبان مسیونرهای پنطیکاستی داشته‌اند (رک: ویلدوود، ۲۰۱۳: ۲۳۱؛ اندرسون، ۲۰۱۳: ۲۰۷؛ وارپش اوبلا، ۲۰۰۹: ۲۳۱).

ب) توجه به جوانان

امروزه یکی از راه‌کارهای اصلی تبشیر پنطیکاستی توجه به قشر جوان است. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل این مسئله، بالارفتن سن رهبران کلیساها باشد. از این رو کلیساهای جدید با استخدام جوانان و فراهم آوردن دوره‌هایی برای آموزش و کسب مهارت‌های لازم برای رهبری کلیساها، به تربیت آن‌ها می‌پردازند (اندرسون، ۲۰۰۰). از سوی دیگر با توجه به طبع لطیف نسل جوان و علاقه آن‌ها به موسیقی، پنطیکاستی‌ها، با دعوت از گروه‌های کرزبردست و

استفاده از خواننده‌ها و نوازنده‌های حرفه‌ای و آوردن آن‌ها به کلیساها، سبب جذب افراد زیادی، به خصوص از نسل جوان، شده‌اند (واریش اوبلا، ۲۰۰۹: ۲۳۴).

ج) توجه به شهرها و استفاده از ظرفیت‌های مناطق شهری

در ابتدای جنبش پنطیکاستی با توجه به شعار "یافتن افراد گمشده، گمراه و دور و بیگانه" در هر مکانی حضور می‌یافتند و به تبلیغ می‌پرداختند. از این‌رو حضور در مناطق روستایی و حاشیه شهرها امری بدیهی بود. لیکن در قرن بیستم با توسعه شهرها و کوچ مردم از روستاها به شهرها، میسیونرهای پنطیکاستی نیز به شهرها روی آوردند. کوچ آن‌ها از مناطق روستایی به شهری، امتیازاتی برای آنان به همراه داشت به گونه‌ای که رشد پنطیکاستی‌ها در مناطق شهری بسیار بیشتر از مناطق روستایی بوده است (مک‌کلانگ، ۱۹۸۸). از این‌رو میسیونرهای پنطیکاستی با حضور در ایستگاه‌های راه‌آهن، میادین مرکزی، فروشگاه‌ها، سالن‌های رقص، زندان‌ها، جلسات ترک اعتیاد، همنشینی با بی‌خانمان‌ها و گاهی پخش غذا میان آن‌ها و اهدای نشریات و بروشورهایی در موضوعاتی همچون گناه، توبه، نجات و زندگی ابدی آن‌ها را به حضور در جلسات کلیسایی دعوت می‌کردند (واریش اوبلا، ۲۰۰۹: ۲۲۹ و ۲۳۲-۲۳۱).

د) مشارکت در امور عام‌المنفعه و انجام خدمات

علاقه وافر پنطیکاستی‌ها به جذب حداکثری، سبب شد تا خود در امور عام‌المنفعه و انجام خدمات پیش‌قدم باشند. از این‌رو پنطیکاستی‌ها در تأسیس بی‌شمار دارالایتام و خوابگاه (میلر، ۲۰۰۷: ۶۸، ۷۰، ۷۱؛ کی‌کی، ۲۰۰۹)، راه‌اندازی مؤسسات و کارگاه‌های آموزشی و مدارس صنعتی (واکر، ۲۰۱۰: ۱۱۸)، احداث مراکز درمانی و ارائه خدمات متنوع پزشکی (زندت، ۲۰۱۱: ۲۰۱۳؛ میلر، ۲۰۰۷: ۷۱، ۹۷؛ پارسیتا، ۲۰۱۰)، ساخت سینماها و سالن‌های کنفرانس (ویلدوود، ۲۰۱۳، ص ۲۲۲؛ اندرسون، ۲۰۰۰)، اعطای فرصت یادگیری به زنان و مشارکت دادن آنان در مناصب مختلف کلیسایی (رک: تاکر، ۲۰۱۱: ۴۰؛ برگس، ۲۰۰۶: ۱۴۲؛ برگس، ۲۰۰۲: ۱۲۰۴)، همکاری با سازمان‌های بین‌المللی همانند یونیسف و صلیب سرخ جهانی (پارسیتا، ۲۰۱۰؛ دریک ماشا، ۲۰۱۳: دیگلر، ۲۰۰۹) و... حضور فعال داشته و از بادل کمک‌های مالی و معنوی دریغ نمی‌کردند.

از این‌رو پنطیکاستی‌ها در رویکردهای اجتماعی خود با توجه ویژه به اقشار ضعیف جامعه و تلاش در جهت برطرف نمودن مشکلات آنان، مد نظر قراردادن جوانان و انجام خدمات عام‌المنفعه در کنار استفاده از ظرفیت‌های شهرها، به افزایش تعداد ایمان‌داران خود پرداخته تا

موانع بازگشت مجدد مسیح سریع‌تر برطرف گردد.

۳. رویکرد مذهبی پنطیکاستی‌ها

با توجه به این‌که تبشیر ایمان پنطیکاستی در آماده‌سازی جهان برای ظهور مجدد مسیح بسیار مهم است، پنطیکاستی‌ها درصدد برآمدن تا مزده آزادی در روح را به پیروان سایر کلیساهای مسیحی اعم از کاتولیک، پروتستان، ارتدکس و همچنین مؤمنین به سایر ادیان - ترجیحاً ادیان ابراهیمی یهودیت و اسلام - برسانند. از این رو به سیاست تعاملی و یا تخصصی در مواجهه با سایر ادیان روی آوردند که در این بخش در پی بررسی آن هستیم.

الف) تعامل و هم‌گرایی با کلیسای کاتولیک

یکی از نکات جالب در قرن بیستم، گفت‌وگوهای رسمی است که میان پنطیکاستی‌ها و کلیسای کاتولیک رومی به وقوع پیوسته است. گرچه در ابتدای جنبش پنطیکاستی، کاتولیک‌ها پیروان این فرقه را به رسمیت نشناخته‌اند، لیکن پس از برگزاری پنج دوره مذاکره، که اولین دوره آن در دهه ۱۹۷۰ م شروع شد، کلیسای کاتولیک، پنطیکاستی‌ها را به رسمیت شناخت، اهتمام به تبلیغ مسیحیت و احداث کلیسای عام مسیحی مورد تأکید واقع شد، گفت‌وگوهای محلی و منطقه‌ای متعددی بین رهبران فرقه‌های مختلف پنطیکاستی برقرار گردید و در نهایت تمرینی واقعی برای اتحاد میان فرقه‌های مسیحی صورت پذیرفت. (برگس، ۲۰۰۶: ۱۲۹-۱۳۳؛ رک: کارکاینن، ۲۰۰۱؛ وارینگتون، ۲۰۰۹؛ جامبرک، ۲۰۱۶).

ب) تعامل و هم‌گرایی با کلیساهای غیر کاتولیکی

در ابتدای قرن بیستم، تعامل پنطیکاستی‌ها با دیگر کلیساهای پروتستانی، در سطح بسیار پایینی بوده است و در واقع پنطیکاستی‌ها - تقریباً تا دهه ۱۹۴۰ م - هیچ‌گونه رابطه مثبتی با دیگر کلیساهای نداشتند. علت این مسئله نیز برمی‌گردد به رویکرد تهاجمی پنطیکاستی‌های اولیه در قبال سایر فرقه‌های مسیحی و نقد و تخریب آن‌ها، زیرا پنطیکاستی‌ها ادعا داشتند که تعمید توسط روح القدس - مدت‌ها و پس از عصر رسولان - تنها در کلیسای آن‌ها صورت گرفته، و این نکته سبب می‌شد تا فقط خود را مسیحی حقیقی تلقی کرده و دیگران را نادیده بگیرند (برگس، ۲۰۰۶: ۳۲۹-۳۳۰). لیکن هر چه به پایان قرن بیستم نزدیک‌تر می‌شد - و به ویژه پس از شکل‌گیری جنبش کاریزماتیک - پنطیکاستی‌ها به برقراری رابطه با سایر کلیساهای ترغیب شدند. اولین جرعه‌های ارتباط با سایر کلیساهای، در دهه ۱۹۴۰ م اتفاق افتاد. زمانی که چند نفر از فرقه‌های پنطیکاستی دعوت شدند تا در سازمانی جدید به نام انجمن ملی انجیلی‌ها

(National Association of Evangelicals) عضو گردند. حضور پنطیکاستی‌ها در این انجمن به معنای شروع احترام متقابل بود (برگس، ۲۰۰۶: ۳۳۱). امروزه پنطیکاستی‌ها با فرقه‌ها و سازمان‌های متعددی در ارتباط هستند و در سازمان‌های مختلفی همانند؛ شورای جهانی کلیساها، شورای ملی کلیساها و ده‌ها انجمن و سازمان که در هر کدام لااقل چند فرقه پنطیکاستی در آن عضو است، حضور دارند. در سال ۲۰۰۹ م با کلیسای لوتری به گفت و گو نشستند. از اهداف آینده پنطیکاستی‌ها، برنامه‌ریزی برای برقراری رابطه و ایجاد گفت و گو با کلیسای ارتدکس است (راش، ۲۰۱۰).

ج) تعامل و هم‌گرایی با غیر مسیحیت

با توجه به این که درخصوص ارتباط پنطیکاستی‌ها و ادیان غیر ابراهیمی، تاکنون درمیان منابع عام پنطیکاستی مطلبی مشاهده نشد، از این رو فقط به نوع رویکرد پنطیکاستی‌ها در قبال یهودیان پرداخته می‌شود.

پنطیکاستی‌ها برخلاف سایر فرقه‌های مسیحی رویکرد متفاوتی با یهودیان و ملت اسرائیل دارند. این نکته به خاطر توجه خاصی است که پنطیکاستی‌ها به کتاب مقدس دارند. از آنجایی که تقریباً همه نویسندگان عهد جدید یهودی بودند و عیسی در حقیقت ماشیح یهودیان بوده است، بنابراین فهم عیسی به معنای فهم متون مقدس یهودی و فهم اعمالی است که توسط یهودیان برای روز پنطیکاست قرار داده شده است. از این رو از نگاه یهودیان خداوند همان کسی است که به واسطه قدرت وافرش، بنی اسرائیل را از بردگی در مصرهایی بخشید. پنطیکاستی‌ها نیز معتقدند که خداوند همان کسی است که به واسطه خون پسرش مردم را از بردگی گناه به واسطه روح القدس نجات بخشید (برگس، ۲۰۰۶: ۲۷۱).

بازگشت یهودیان به اسرائیل و تشکیل حکومت یهودی در آن‌جا، یکی از پیشگوهایی است که در کتاب مقدس درباره روزهای آخر - قبل از بازگشت مسیح - آمده است. پنطیکاستی‌ها نیز که برای تشخیص نشانه‌های آخرالزمانی گوش به زنگ بودند، با توجه به این رویداد و مسائل دیگری از این قبیل که در کتاب مقدس آمده است، بازگشت قریب الوقوع مسیح را انتظار می‌کشند. این نکات بر شدت توجه آن‌ها به اسرائیل و بودن با یهودیان افزوده است (برگس، ۲۰۰۶: ۲۷۲). از این رو پنطیکاستی‌ها از طرق متعددی همانند برگزاری ششمین کنفرانس جهانی پنطیکاستی‌ها در سال ۱۹۶۱ م در شهر اورشلیم، برگزاری بیست و پنجمین نشست سالانه پنطیکاستی در سال ۲۰۰۴ م، در خیمه‌های برپاشده توسط یهودیان، در ایام جشن‌های

یهودیان و ایجاد سفارت‌خانه بین‌المللی مسیحیان در اورشلیم، در صدد برآمدند تا اتحاد و بهم‌پیوستگی‌شان با یهودیان را نشان دهند (برگس، ۲۰۰۶: ۲۷۳).

در نتیجه می‌توان گفت: همگرایی پنتیکاستی‌ها با سایر کلیساهای مسیحی و توجه ویژه به یهودیان و کشور اسرائیل، همه و همه از سیاست‌های آخرازمانی پنتیکاستی‌ها است که با جدیت آنرا پیگیری می‌کنند.

۴. رویکرد اقتصادی پنتیکاستی‌ها

در ابتدای جنبش پنتیکاستی به واسطه‌ی خوش‌بینی‌هایی که نسبت به آمدن آخرازمان و بازگشت مجدد مسیح وجود داشت، شور و شوق عجیبی در میان پنتیکاستی‌های اولیه به وجود آمد، به گونه‌ای که بسیاری از مردمی که به جنبش می‌پیوستند هرچه در توان داشتند در اختیار جنبش می‌گزارند تا به انتشار هرچه سریع‌تر جنبش یاری رسانند. از این‌رو رهبران اولیه جنبش منابع مالی سرشاری در اختیار داشتند (کوالسکی، ۲۰۱۰). از طرف دیگر، میسیونرهایی که به مناطق مختلف می‌رفتند، افرادی را به عنوان رهبران آینده کلیسا انتخاب می‌کردند که هم از لحاظ مالی استطاعت داشته و هم پس از آن‌ها توانایی اداره و رهبری کلیسای بومی را دارا بوده و هم در انتشار پیام جنبش توانایی کافی را دارا باشد (اندرسون، ۲۰۰۰؛ همو، ۲۰۰۴). رهبران بومی نیز مؤمنان پنتیکاستی را تشویق می‌کردند تا به هر نحو ممکن در امر تبلیغ و تبشیر مشارکت ورزند، در نتیجه مردم نیز از بذل مال دریغ نمی‌کردند (اندرسون، ۲۰۱۳: ۲۰۲). بعدها که جنبش پنتیکاستی شکل منسجم‌تری به خود گرفت، سازمان‌ها و نهادهای خاصی عهده‌دار جمع‌آوری کمک‌های مردمی شدند و رویه اقتصادی آن‌ها شکل منظم‌تری به خود گرفت. حمایت از میسیونرها در مناطق مختلف دنیا، تأسیس مدارس کتاب مقدسی، مشارکت در ساخت کلیساها، مدارس، یتیم‌خانه‌ها، بیمارستان‌ها و... که امروزه - غالباً - با کمک این نهادها صورت می‌گیرد، از نمونه‌های انسجام مالی و اقتصادی آن‌ها محسوب می‌شود (واکر، ۲۰۱۰: ۸۰؛ برگس، ۲۰۰۶: ۱۰۲؛ وست‌می‌یر، ۱۹۹۳).

از این‌رو عمده رویکردهای اقتصادی پنتیکاستی‌ها در جهت تسریع در امر بازگشت مجدد مسیح عبارتست از: جذب توانگران و افرادی که استطاعت مالی کافی برای پیشبرد اهداف جنبش را دارا هستند، استفاده از رهبران بومی توانگر و ایجاد سازمان‌ها و نهادهای حمایتی - مالی.

نقد و بررسی آخرالزمان شناسی پنطیکاستی

در این قسمت پس از بررسی آخرالزمان شناسی پنطیکاستی، مؤلفه‌های آن و رویکردها و عملکردهای پنطیکاستی‌ها در قبال مسئله آخرالزمان شناسی به تحلیل و نقد آن می‌پردازیم.

الف) آیا کتاب مقدس مؤید آخرالزمان شناسی پنطیکاستی است؟

پنطیکاستی‌ها ظهور دوباره عطایا و بالاخص تکلم به زبان‌ها را نشانه‌ای از نزدیک شدن آخرالزمان و عصر مسیحایی توصیف می‌کنند. همین امر را به عنوان سند حقانیت جنبش پنطیکاستی معرفی می‌کنند. لیکن در مقابل، نه تنها کتاب مقدس درباره آمدن جنبشی جدید از عطایای معجزه آسا در آخرالزمان، سخنی نگفته است، بلکه دقیقاً بالعکس، از ارتدادی سخن گفته است (دبلیو کلود، ۱۹۹۸: ۶۲) که روزبه‌روز بیشتر شده و افراد را به سوی خود جذب می‌کند:

اما افراد نادرست و علمای دروغین، روز به روز بدتر شده، بسیاری را فریب خواهند داد و خود نیز فریب شیطان را خواهند خورد. (دوم تیموتائوس ۳: ۱۳)

همچنین کتاب مقدس نشانه‌ها و شگفتی‌هایی که در آخرالزمان می‌آیند را فریب‌دهنده توصیف نموده است:

چون از این مسیح‌ها و پیغمبران دروغین زیاد خواهند آمد و حتی معجزات حیرت‌انگیز نیز خواهند کرد، به طوری که اگر ممکن بود حتی برگزیدگان خدا را هم گمراه می‌کردند. (متی ۲۴: ۲۴)

و اما خرابکاری‌هایی که آن شورش گر جهنمی به هنگام ظهورش انجام خواهد داد، از هم اکنون آغاز شده است؛ ولی خود او زمانی ظاهر خواهد شد که آن کسی که مانع اوست، از سر راه کنار برود. آن گاه آن مرد خبیث ظهور خواهد کرد. اما خداوند ما عیسی به هنگام بازگشت خود، او را با نفس دهان خویش هلاک کرده، با حضور خود نابود خواهد ساخت. این مرد خبیث بوسیله قدرت شیطان ظهور خواهد کرد و آلت دست او خواهد بود؛ او با کارهای عجیب و حیرت‌انگیز خود همه را فریب داده، معجزات بزرگ انجام خواهد داد. (دوم تسالونیکیان ۲: ۷-۹)

او پیش چشمان همه دست به معجزات باور نکردنی می‌زد و از آسمان آتش به زمین می‌آورد! او در حضور جانور اول قدرت می‌یافت تا این کارهای عجیب را انجام داده، مردم دنیا را فریب دهد و ایشان را وادار سازد مجسمه بزرگی از جانور اول بسازند، همان جانوری که از زخم شمشیر جان سالم بدر برده بود. (مکاشفه ۱۳: ۱۳-۱۴)

در نتیجه باید گفت؛ سوای بحث ظهور مجدد مسیح در آخرالزمان، تفسیر پنطیکاستی‌ها از این مسئله و رویکردی که در قبال آن اتخاذ کرده‌اند با حقائق کتاب مقدسی تطابق ندارد.

ب) ادعای تشکیل کلیسای جامع مورد تأیید کتاب مقدس نیست

در حالی که کتاب مقدس همه را به اتحاد در ایمان، به معنای اتحاد در حقیقت، دعوت می‌کند، اما رهبران پنطیکاستی افراد را به اتحادی فرا می‌خوانند که ایمان حقیقی به کلمه خدا را نادیده می‌گیرد. از این رو پنطیکاستی‌ها و کاریزماتیک‌ها از همه افراد از همه فرقه‌ها دعوت می‌کنند تا برای تجربه عطایای معنوی روح القدس به این جلسات بیایند. در واقع تجربه محوری را عامل وحدت و اتحاد می‌دانند (دبلیو کلود، ۲۰۱۲a: ۱۲۳). ولی این امر دقیقاً عدم توجه به هشدارهایی است که مسیح درباره کلیسای دروغین در آخرالزمان داده است (فی، ۱۹۹۸: ۱۰۰). این گرایشی بسیار خطرناک است. زیرا به خاطر اتحاد حقیقت را کنار نهاده و در نهایت کسی را که حقیقت است به کنار خواهیم نهاد. مسیح بیرون از جنبش قرار خواهد گرفت. این همان چیزی است که در مکاشفه ۳: ۲۰ پیشگویی شده است:

اکنون در مقابل در ایستاده، در را می‌کوبم. هر که صدای مرا بشنود و در را بگشاید، داخل شده، با او دوستی دائمی برقرار خواهیم کرد، و او نیز با من.

در این آیه تصویری از وضعیت کلیسا در روزهای واپسین مطرح می‌کند. می‌بینیم که مسیح در مقابل کلیسا ایستاده، در را می‌کوبد و تلاش می‌کند داخل شود. لیکن در آن جا اتاقی برای او نخواهد بود. آموزه و حقیقت مورد غفلت قرار گرفته‌اند. تجربه ضابطه و معیار عضوگیری شده است، و در نتیجه دیگر ایمان به کتاب مقدس و مسیح، ملاک مسیحی بودن نخواهد بود (دبلیو کلود، ۲۰۱۳: ۲۱؛ اچ پل، ۲۰۰۱: ۹۰).

البته این امر، هم از ناحیه پروتستانی‌های اصیل و هم از ناحیه کاتولیک‌های اصیل رد شده است. زیرا پروتستان‌ها اصالتاً کتاب مقدس محورند، از این رو کاریزماتیک‌ها و پنطیکاستی‌هایی که تجربه را مهم‌تر از کتاب مقدس می‌دانند طرد می‌کنند (دبلیو کلود، ۲۰۱۲b: ۱۰۲) و کاتولیک‌هایی که به اصولی همچون کتاب مقدس، کلیسا، مریم مقدس، سنت و مسیح پایبندند، تجربه‌گرایی به این معنا را نمی‌پذیرند (همان: ۹۲).

ج) نقدی بر رویکردهای پنطیکاستی‌ها

۱. درست است که احداث هر چه بیشتر کلیسا، به افزایش ایمان داران منتهی خواهد شد، لیکن این مدل شکل‌گیری کلیساها و رشد قارچ‌گونه آن‌ها بدون هیچ ضابطه‌ای و تنها بر محور

روح القدس و عطایای روح القدسی علاوه بر آن که تشتت دیدگاه‌ها و غیر قابل کنترل بودن کلیساها را به دنبال خواهد داشت (راسچ، ۲۰۱۰)، موجب اعتراض سایر کلیساها می‌شود. زیرا پنطیکاستی‌ها به منظور تبشیر ایمان پنطیکاستی به سراغ آن دسته از کاتولیک‌هایی که به ظاهر مسیحی و تعمیدیافته بوده ولیکن در هیچ‌یک از فعالیت‌های کلیسایی مشارکت نمی‌کردند، رفته و از آن‌ها برای حضور در جلسات خود دعوت می‌کردند. کاتولیک‌ها چنین کارهایی را غیر منصفانه قلمداد می‌کردند. زیرا این نوع تبلیغ سبب شد تا در منطقه آمریکای لاتین حدود ۷۵ درصد از کاتولیک‌ها به پنطیکاستی‌ها پیوستند. روزانه حدود هشت الی ده هزار نفر کاتولیک، کلیساهای خود را رها کرده و به کلیسای پنطیکاستی ملحق می‌شدند (اسمیت، ۱۹۹۸: ۲).

۲. علیرغم این‌که جنبش پنطیکاستی به استفاده از رهبران بومی روی آورده است، لیکن اخباری که از فساد - اعم از فساد اقتصادی، جنسی و اخلاقی - برخی از رهبران پرترفدار پنطیکاستی منتشر شده است، این کلیسا را با چالش مواجه ساخته است (رک: دبلیو کلود، ۲۰۱۲b: ۸۶). البته این‌گونه از فسادها در سایر کلیساها نیز یافت می‌شود، لیکن با توجه به این‌که در کلیسای پنطیکاستی، مردم برای رهبران‌شان به علت توانایی‌ها و کاریزمای شخصیتی آن‌ها، احترام زیادی قائلند - آماري که از فسادهای رهبران پنطیکاستی گزارش شده است، وحشتناک است. (رک: ابرت شاسر، ۲۰۱۱: ۱۶)

۳. پنطیکاستی‌ها برای آن‌که جلسات کلیسایی‌شان جذاب‌تر به نظر آید، سعی می‌کنند تا از فضا سازی‌های متداولی که در کنسرت‌های موسیقی استفاده می‌شود، کپی برداری کنند. از این‌رو، به هنگام اجرای زنده موسیقی، فضا را تاریک کرده، نورافکن‌ها را روشن کرده، و خوانندگانی که لباس‌های شهوت‌انگیز پوشیده‌اند شروع به خواندن می‌کنند (دبلیو کلود، ۲۰۱۲a: ۱۴۷). تنها فرق این جلسات با کنسرت‌های خارج از کلیسا این است که در این جلسات در لابلای اشعاری که خوانده می‌شود، کلماتی نیز نسبت به خدا و مسیح گفته می‌شود، و برای مثال ذکر هلولویاه تکرار می‌شود (دبلیو کلود، ۲۰۱۴: ۱۸). در چنین فضایی تعجب‌آور نیست که مسائل فساد برانگیز و شهوانی رخنه کند. به گونه‌ای که امروزه غالب مراسم‌های عبادی پنطیکاستی‌ها دچار فساد اخلاقی شده و در فضایی احساسی و شهوانی برگزار می‌گردد. این نکته نباید تعجب‌آور باشد. زیرا موسیقی‌های امروزی، بالاخص موسیقی راک، پاپ، هیپ هیپ، غالباً با مسائل جنسی همراه شده است. زیرا خود موسیقی و سبک آن شهوانی است و حرکات شهوانی نوازندگان و خوانندگان موسیقی راک امر مرسوم است (دبلیو کلود، ۲۰۱۴:

۲۵-۲۵؛ همو، ۲۰۱۵: ۱۹۹؛ همو، ۲۰۱۶: ۵؛ همو، ۲۰۱۱: ۲۸). از این رو، جذب جوانان در چنین فضاهایی دور از انتظار نیست.

۴. یکی از نقدهای جدی که بر پنتیکاستی‌ها وارد می‌شود، این است که مخاطبان آنان عموماً از اقشار آسیب‌پذیر و محروم جوامع - به ویژه افرادی که در کشورهای جهان سوم زندگی می‌کنند - هستند. از این رو پنتیکاستی‌ها هیچ‌گاه حاضر نشدند تا به سراغ متدینان راسخ و نخبگان جوامع بروند و آن‌ها را به آیین پنتیکاستی بکشانند (میلر، ۲۰۰۷: ۸۴). علت این نکته را می‌توان در جهالت این دسته از افراد نسبت به آموزه‌های پنتیکاستی‌ها و تعالیم کتاب مقدس عنوان کرد. زیرا اقشار آسیب‌پذیر جامعه غالباً با مشکلات عدیده‌ای اعم از مشکل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، و روحی و روانی مواجه هستند و تلاش‌هایی که پنتیکاستی‌ها در جهت برطرف نمودن این مشکلات انجام داده‌اند، سبب شده تا پنتیکاستی‌ها همانند یک منجی در نظر آنان جلوه کنند و بالتبع پذیرش ایمان پنتیکاستی آسان‌تر خواهد بود (رک: دبلیو کلود، ۲۰۱۲a: ۱۸۱).

۵. از آن جایی که پیام نجات مسیح و آزادی در روح شامل همه ملت‌ها می‌گردد، پنتیکاستی‌ها به مناطق دوردست سفر می‌کنند تا مژده آزادی در روح را به گوش جهانیان برسانند. از این رو پنتیکاستی‌ها پس از ورود به منطقه‌ای که مؤمنان به دین خاصی در آن جا گرد آمده‌اند، اگر نتوانند با روش‌های معمول مسیحی - همانند محبت - و یا روش‌های خاص پنتیکاستی‌ها - همانند به کارگیری عطایا - آن‌ها را به کیش خود بکشانند، با تخریب دین بومی مردم منطقه و ادعای این که این دین نقاط ضعف فراوانی دارد، به جذب نیروهای بومی آن منطقه می‌پردازند. البته بیشتر افرادی جذب این جنبش می‌شوند که میزان تدین‌شان اندک است و هر آن احتمال لغزش‌شان وجود دارد. این‌گونه اقدامات پنتیکاستی‌ها سبب شد تا صدای اعتراض پاپ ژان پل دوم بلند شود و از اقدام پنتیکاستی‌ها در جذب افرادی که تقدیرشان به امور دینی کم است ابراز انزجار کنند. امروزه نیز، با وجود چندین نشستی که جهت تعامل و نزدیکی افکار میان کاتولیک‌ها و پنتیکاستی‌ها برگزار شده است و مفاد یکی از آن‌ها جلوگیری از تبلیغ فرقه‌ای است، لیکن هنوز برخی فرقه‌های پنتیکاستی وجود دارند که به سراغ ایمان‌داران مسیحی سایر فرقه‌ها می‌روند تا آن‌ها را به جنبش پنتیکاستی بکشانند (برگس، ۲۰۰۶: ۹۴۱؛ پلس، ۲۰۱۴). این اقدامات نسنجیده و بدون هماهنگی پنتیکاستی‌ها سبب شده تا میسیونرهای پنتیکاستی در مناطق مختلف دنیا - مخصوصاً در منطقه خاورمیانه و به ویژه کشورهای مسلمان‌نشین - دستگیر شده و به زندان بیفتند. پنتیکاستی‌ها نیز از این

فرصت استفاده کرده و با مظلوم‌نمایی، سعی در اثبات حقانیت خود داشته و همین امر منجر به جذب برخی از افراد به جنبش شده است (برگس، ۲۰۰۶: ۱۲ و ۱۰۱). در برخی موارد و به‌ویژه در برخورد با مسلمانان، پنتیکاستی‌ها، پا را فراتر نهاده و به تخریب و نقد اسلام، مخدوش‌نشان دادن چهره مسلمانان به عنوان بخشی از امپراتوری شیطان، دروغ بستن به آیات قرآن، ایجاد شبهه در اذهان مخاطبان نسبت به اسلام، شخصیت پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام روی آورده و تنها راه نفوذ در دنیای اسلام را استفاده از نشانه‌ها و شگفتی‌ها معرفی می‌کنند (لیوینگستون، ۱۹۹۳: ۲۶).

نتیجه‌گیری

به باور پنتیکاستی‌ها بیرون‌ریزی روح القدس در ابتدای قرن بیستم، نشانه‌ای از فرارسیدن آخرالزمان مسیحی است و کلیسا بعد از تحمل چند سال رنج و محنت، مسیح را ملاقات خواهد نمود. از این رو پنتیکاستی‌های اولیه با هدف تسریع در بازگشت مجدد مسیح، به جذب حداکثری کافران و غیرمتدینان جوامع روی آوردند، زیرا معتقد بودند که اگر همه دنیا مسیحی شوند و در نتیجه کلیسای جامع مسیحی تأسیس شود، پروسه بازگشت مجدد مسیح تسریع خواهد یافت. لیکن پس از گذشت چند دهه از شروع جنبش پنتیکاستی و عدم ظهور مجدد مسیح، رهبران پنتیکاستی به نوسازی رویکردهای آخرالزمان‌شناسی مبادرت نمودند. از این رو دو بعد اساسی برای آخرالزمان‌شناسی معرفی کردند؛ بعدی که مربوط به عصر حضور مسیح است و برای رسیدن به آن باید به ادامه استراتژی‌های تبشیری پرداخت و بعدی که مربوط به امور دنیایی است و باید با اتخاذ رویکردهای فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و اقتصادی، اقدامات عملی لازم را جهت تسریع بازگشت مجدد مسیح صورت داد.

از این رو؛ در جنبه فرهنگی با تأسیس کلیساهای معتدد و بومی‌سازی آن‌ها، به افزایش تعداد ایمان‌داران پنتیکاستی مبادرت نمودند. در بعد اجتماعی با توجه ویژه به همه اقشار مختلف جوامع و ارائه امکانات گوناگون خدماتی - رفاهی برای مخاطبان خود، سعی در ایجاد جاذبه و در نهایت جذب حداکثری هستند. در بعد مذهبی نیز با تأکید بر مشترکات الهیاتی و ایجاد رابطه دوستی با سایر فرقه‌های مسیحی، دوشادوش آن‌ها به تبلیغ در میان غیرمسیحیان می‌پردازند. همچنین با توجه به اعتقاد مشترک یهودیان و پنتیکاستی‌ها در عهد عتیق، حمایت همه جانبه خود را از دولت و ملت یهود ابراز می‌دارند. چراکه از نگاه آنها بازگشت مجدد یهودیان به ارض موعود و تشکیل دولت یهودی یکی از مقدمات ظهور مجدد مسیح است.

در نقد آخرالزمان شناسی پنطیکاستی باید اشاره کرد: علاوه بر آن که کتاب مقدس به فریبنده بودن ظهور عطایا در آخرالزمان هشدار داده، از موج گسترده ارتدادی که در آخرالزمان شکل می‌گیرد برحذر داشته است. از این رو کتاب مقدس اساس جنبش پنطیکاستی را که بر مبنای روح القدس و عطایای او بوده است، زیر سوال برده و از عدم تطابق رویکرد پنطیکاستی‌ها در مسئله ظهور مجدد مسیح با متن مقدس، پرده برداشته است. همچنین رد ادعای تشکیل کلیسای جامع در آخرالزمان از سوی کتاب مقدس، اعتراض به رشد قارچ‌گونه و بی‌ضابطه کلیساهای پنطیکاستی از سوی سایر کلیساهای مسیحی، آماري که از فسادهای برخی از رهبران معروف پنطیکاستی گزارش می‌شود، همراه شدن جلسات عبادی پنطیکاستی‌ها با فسادهای گوناگون، جذب مستضعان جوامع و نه نخبگان و متدینین به سایر ادیان، از دیگر نقدهای جدی بر رویکردهای آخرالزمان شناسی پنطیکاستی محسوب می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- کتاب مقدس

- Anderson, Allan, "Structures and Patterns in Pentecostal Mission." *Missionalia: Southern African Journal of Mission Studies* 32, No. 2 (2004): 233-249.
- Anderson, Allan, "Towards a Pentecostal Missiology for the Majority World." *Asian Journal of Pentecostal Studies* 8, No. 1 (2005b): 29-47.
- Anderson, Allan, *An Introduction to Pentecostalism: Global Charismatic Christianity*. Cambridge University Press, 2013.
- Anderson, Allan, *Evangelism and the Growth of Pentecostalism in Africa*, Centre for Missiology and World Christianity, University of Birmingham (2000).
- Anderson, Allan, *The Origins of Pentecostalism and Its Global Spread in the Early Twentieth Century*, *Transformation* (2005a): 175-85.
- Blake, Jonathan S. "Stability in Sacred Competition? Pentecostals in the Global Religious Marketplace." 2014.
- Burgess, Stanley M. *Encyclopedia of Pentecostal and Charismatic Christianity*. Routledge, 2006.
- Burgess, Stanley M., ed. *The new international dictionary of Pentecostal and charismatic movements*. Zondervan Publishing House, 2002.
- Derrick Mashau, T. "Ministering Effectively in the Context of Pentecostalism in Africa: A Reformed Missional Reflection." *In die Skriflig* 47, no. 1 (2013): 10-17.
- Dilger, Hansjörg. "Doing Better? Religion, the Virtue-Ethics of Development, and the Fragmentation of Health Politics in Tanzania." *Africa Today* 56, no. 1 (2009): 89-110.
- Fahy, Paul, *Origins of Pentecostalism and the Charismatic Movement, Understanding Ministries*, 1998.
- H. Pohl, Alfred, 2001, *17 Reasons Why I Left the Tongues Movement*, Canada: Bethel Baptist Print Ministry.
- House, Sean David. *Pentecostal Contributions to Contemporary Christological Thought: A Synthesis with Ecumenical Views*. 2006.
- Jambrek, Stanko. "The Great Commission in the Context of the Evangelical Churches of Croatia in the Second Part of the Twentieth Century." *Kairos: Evangelical Journal of Theology* 2, No. 2 (2016): 153-79.
- K Kay, William, *Changing Paradigms in Pentecostal Education*, Wales: Glopent, 2009
- Kärkkäinen, Veli-Matti. "Evangelization, Proselytism, and Common Witness: Roman Catholic~ Pentecostal Dialogue on Mission, 1990° 1997." *International Bulletin of Missionary Research* 25, no. 1 (2001): 16-22.
- Kowalski, Rosemarie Daher. "The Missions Theology of Early Pentecost: Call, Challenge, and Opportunity." *Journal of Pentecostal Theology* 19, no. 2 (2010): 265-91.
- Leoh, Vincent, *Eschatology and Pneumatic Preaching with a Case of David Yonggi Cho*, *AJPS* 10:1 (2007): 101-115

شهرت
سال یازدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۶

- Livingstone, Greg. *Planting Churches in Muslim Cities: A Team Approach*. Baker Academic, 1993.
- Lukose, Wessly. "A Contextual Missiology of the Spirit: A Study of Pentecostalism in Rajasthan, India." University of Birmingham, 2009.
- Ma, Wonsuk, Veli Matti Karkkainen, and J Kwabena Asamoah-Gyadu. *Pentecostal Mission and Global Christianity*. Vol. 20: Wipf and Stock Publishers, 2014.
- Ma, Wonsuk. "Pentecostal Eschatology: What Happened When the Wave Hit the West End of the Ocean." *The Azusa Street Revival and Its Legacy*. Cleveland, TN: Pathway (2009): 227-42.
- Ma, Wonsuk. "'When the Poor Are Fired Up': The Role of Pneumatology in Pentecostal-Charismatic Mission." *Transformation* 24, no. 1 (2007): 28-34.
- McClung, L Grant. "Theology and Strategy of Pentecostal Missions." *International Bulletin of Missionary Research* 12, no. 1 (1988): 2-6.
- McClung, L Grant. *Azusa Street and Beyond: Pentecostal Missions and Church Growth in the Twentieth Century*. Bridge Logos Pub, 1986.
- McGee, Gary B. "Assemblies of God Mission Theology: A Historical Perspective." *International Bulletin of Missionary Research* 10, no. 4 (1986): 166.
- Miller, Denzil R. *Empowered for Global Mission: A Missionary Look at the Book of Acts*. Life Publishers International USA, 2005.
- Miller, Donald E, and Tetsunao Yamamori. *Global Pentecostalism: The New Face of Christian Social Engagement*. Univ of California Press, 2007.
- Pachauu, Lalsangkima, and Knud Jorgensen. *Witnessing to Christ in a Pluralistic World: Christian Mission among Other Faiths*. Vol. 7: Wipf and Stock Publishers, 2011.
- Parsitau, Damaris Seleina, and Philomena Njeri Mwaura. "God in the City: Pentecostalism as an Urban Phenomenon in Kenya." (2010).
- Plüss, Jean-Daniel, 2014, *Pentecostalism and Ecumenism of the Spirit*, 48th International Ecumenical Seminar, Strasbourg, France: July 2-9.
- Porter, David K. *Shaping the Missionary Identity of the Pentecostal Assemblies of Canada: Spirit Baptism and Exchatology in the Writings of George A. Chambers and Robert E. Mcalister*. Wycliffe College, 1999.
- Quebedeaux, Richard. *The New Charismatics: The Origins, Development, and Significance of Neo-Pentecostalism*. Doubleday Books, 1976.
- Rausch, Thomas P. "Catholics and Pentecostals: Troubled History, New Initiatives." *Theological Studies* 71, no. 4 (2010): 926-50.
- Smith, Brian H. *Religious Politics in Latin America, Pentecostal Vs. Catholic*. Notre Dame UP, 1998.
- Smith, James KA. "Thinking in tongues." *First Things* 182 (2008): 27.
- Tucker, Stacey U. "Unto the Least of These: The Pentecostal Church and Social Ministry." (2011).
- W. Cloud, David, 2012a, *Charismatic Confusion*, Canada: Bethel Baptist Print Ministry.
- _____, *World Council of Churches*, _____, 2013.
- _____, *Is Healing in the Atonement*, _____, 1998.
- _____, *the Transformational Power of Contemporary Praise Music*,

- _____2011.
- _____, Tongues Speaking, _____, 2012b.
 - _____, End-Time Confusion: The International House of Prayer _____, 2014.
 - _____, Directory of Contemporary Worship Musicians, _____, 2015.
 - _____, What Every Christian Should Know about Rock Music, _____, 2016.
 - Wacker, Grant, Heaven Below: Early Pentecostals and American Culture. Harvard University Press, 2009.
 - Währisch-Oblau, Claudia. The Missionary Self-Perception of Pentecostal/Charismatic Church Leaders from the Global South in Europe: Bringing Back the Gospel. Brill, 2009.
 - Walker, Daniel Okyere. "The Pentecost Fire Is Burning: Models of Mission Activities in the Church of Pentecost." University of Birmingham, 2010.
 - Warrington, Keith. "Cracked or Broken: Pentecostal Unity." Paper presented at the EPCRA conference, 2009.
 - Westmeier, Karl-Wilhelm. "Themes of Pentecostal Expansion in Latin America." International Bulletin of Missionary Research 17, no. 2 (1993): 72-78.
 - Wild-Wood, Emma, and Peniel Rajkumar. Foundations for Mission. Vol. 13: Wipf and Stock Publishers, 2013.
 - Zandt, Maria, The Situation Of Christians In Sub-Saharan Africa, KAS International Reports, 6/ 2011.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مهرنامه

سال یازدهم، شماره ۴۴، زمستان ۱۳۹۶